

هنر ذن

مهدی حسینی

ذن یک بیداری است

در ظاهر مهمل ولی در معنا درست. ذن فراتر از واژه‌هاست، ولی نگارش بسیاری از کتاب‌ها را موجب شده است. ذن تنهاست، ولی همیشه یک راهنما طلب می‌کند. ذن بسیار معمولی و پیش‌پا افتاده است، ولی دیرهای پرت و دورافتاده را می‌طلبد. ذن عمیقاً جدی است، ولی سرشار از طنز است. ذن به هستی تمایل دارد تا به تظاهر، ولی الهام‌بخش هنرهای گوناگونی بوده است. ذن به ما می‌آموزد که تنها نشنویم، بلکه گوش فرادهم، که نگاه کردن کافی نیست، بلکه ببینیم. که تنها فکر نکنیم، بلکه تجربه کنیم، و مهم‌تر از همه این که تنها به دانش فعلی مان اکتفا نکنیم، بلکه از آنچه که در جریان است لذت ببریم و دنیا را همان‌گونه که هست بپذیریم.

هنر ذن نیز بیدارکننده است.

ذنگا (Zenga) واژه ژاپنی برای معرفی نقاشی و کالیگرافی راهبان ذن از قرن شانزدهم تا به امروز است. این آثار نه در قالب شعار «هنر برای هنر» قرار می‌گیرد و نه به سفارش حامیان منتقد و مرقه صورت می‌پذیرد. بلکه آثاری هستند که موجب تمرکز می‌گردند و فرد را به اشراق هدایت می‌نماید.

ذنگا شکلی از تعلیم است. در نقاشی از پیش‌پا افتاده‌ترین موضوع بهره گرفته می‌شود و در کالیگرافی از اشعار ذهن و یا لغز و چیستان استفاده می‌شود. حرکت قلم در این قبیل آثار، برخلاف دیگر آثار مذهبی، دارای حرکت جسورانه دراماتیک، به‌ظاهر بی‌پروا و بسیار تأثیرگذارند. در این آثار برگردان ذهن و

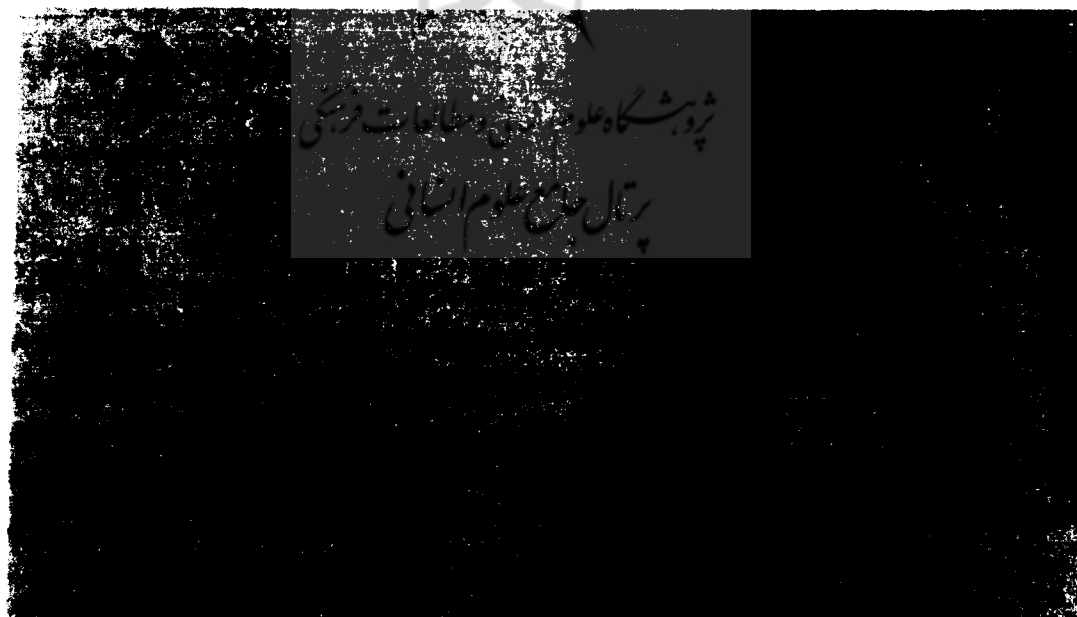
ایشی (۱۶۰۸-۱۶۴۶)، کالیگرافی، مرکب روی کاغذ، ۳۰،۶۶ سانتی‌متر



此物始於
有快入
吹向子
造七格
時
即一印
阻
吹
梅



نوبتادا (۱۵۶۵-۱۶۱۴)، داروسا در حال تحریر، مرکب روی کاغذ
۵۶،۳۴ سانتی‌متر



روح به روی کاغذ به صورت خودبه خودی و فرایند همه صورت می‌بندد. در حقیقت عصاره تجربه ذن در ضربات قلم موی راهب ذن تظطیر می‌شود: عمق تمرکز در چند ضربه خلاصه‌ای که توسط راهب ذن نقش می‌گیرد محسوس می‌گردد؛ نیروی بالقوه ضد-منطق ذن، کوان (Koan) در حرکات رقصان و تند کالیگرافی آشکار می‌شود. بدین ترتیب ذنگا بیان آشکار تجربی درونی راهبان ذن است.

گفته شده است که ذن با یک کنایه آغاز شد. می‌گویند روزی بودا به جای موعظه روزانه‌اش، تنها گئی را در دست گرفت و در محل موعظه قرار گرفت. یکی از پیروان پیام بی‌کلام بودا را دریافت و ذن (که از ریشه هندی dhyana به معنای مراقبه است) تولد یافت.

ذن با دیگر فرق سنتی بودایی متفاوت است. زمانی که بودائیسیم در بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های شرق آسیا گسترش یافت، اصولاً یک مذهب زهدمنشانه‌ای بود که برای خود مبلغان مسلط بسیاری تربیت کرده بود که توانایی ارشاد پیروان‌شان به اشراق و تولد مجدد را دارا بودند. تعالیم سنتی بودا از طریق هدایت پیروانش به اشراق فردی (Satori) حاصل می‌آید، ولی تعبد به چنین تعهدی برای پیروان بی‌شمارش بسیار مشکل می‌نمود.

هرچند ذن مستقیماً احیای مجدد تعالیم نخستین بودا نبود. - ذن در تقابل با دیگر فرق، اصرار بر این دارد که اشراق فردی را در این جهان می‌توان از طریق مراقبه و تکامل نفسانی تحصیل نمود - تعالیم ذن همواره بر این نکته تأکید دارد که امیال و استدلال‌های منطقی فریبنده، اصول ذاتی تعالیم بودا را خدشه‌دار می‌سازند. تکلیف هر انسان بیدارساختن طبیعت حقیقی خود است. برای توفیق تعبد کامل فرد، ارشاد یک معلم فرزانه ضروری است. یک راهب ذن تعالیم سختی را پشت‌سر می‌گذارد که شامل سال‌ها تمرکز و مراقبه است تا بتواند به تجربه اشراق نایل آید - که ممکن است از طریق



شنیدن صدای زنگ یک دبر و یا ضربه بسیار سنجیده استاد حاصل آید.

ذن برای همگان نیست، زیرا انضباط دقیق و تمرکز بسیار شدیدی را طلب می‌کند که حتی از برنامه‌های تربیتی سامورایی‌ها نیز شدیدتر است. به‌طور مثال داوطلبین ورود به مرحله طلبگی ذن ابتدا باید سه روز در مقابل در دبر بایستند تا اجازه ورود یابند. پس از ورود یک برنامه بی‌وقفه شامل تمرکز، خواندن سرودهای سوترا^۱ و کار فیزیکی در دبر آغاز می‌گردد. ساختار برنامه‌های آموزشی برای طلبه‌های ذن به‌صورتی تنظیم شده است که زمان کمی برای خواب باقی می‌گذارد و برای فعالیت‌های فردی اصلاً فرصتی باقی نمی‌ماند. هدف از میان‌بردن خودخواهی‌های فردی برای دست‌یافتن به اشراق (Satori) است، و در این میان هرچقدر مُرشد منضبط‌تر، سخت‌گیرتر و نفوذناپذیرتر باشد، امکان دسترسی سالک به اشراق محتمل‌تر خواهد بود.

هنر ذن به مانند تعالیم ذن تاریخ مفصلی دارد. متجاوز از هزار سال پیش، مُرشدان ذن در چین، برای تربیت مریدان خود از نقاشی استفاده می‌کردند، به این ترتیب که برای القای برخی از مفاهیم با دست دایره‌ای در فضا ترسیم می‌نمودند و یا برای تمرین تمرکز از نقاشی با مرکب سود می‌جستند. این مُرشدان به‌طور حرفه‌ای نقاش تربیت نشده بودند، ولی سال‌ها تجربه در کالیگرافی و کارکردن با مرکب و قلم‌مو، آن‌ها را قادر می‌ساخت تا در کاربرد آن، به هر طریق که لازم می‌بود، مهارت لازم را داشته باشند. کالیگرافی تقریباً نزد تمام پیشوایان بانفوذ ذن عمومیت دارد. در زبان چینی برای هر واژه یک آوانگاری جداگانه پیش‌بینی شده است که کلاً حدود پنجاه هزار کاراکتر در مجموعه کالیگرافی می‌کردند که آن‌ها نیز به‌نوبه خود در پنج قالب مختلف به نگارش درمی‌آیند. تنوع بسیار کاراکترها، شیوه نگارش، گردش قلم و امکانات ترکیب آن با یکدیگر موجب گشته

است تا کالیگرافی به‌مثابه یک ابزار بیان فردی امکانات بسیاری داشته و کاتبان ذن از آن به شیواترین وجه سود برند. از زمان ریختن آب روی سنگ مرکب‌سازی نا فراهم آمدن مرکب، این فرصت برای کاتب ذن فراهم می‌آید تا تمرکز نماید و به هنگام حرکت قلم‌مو روی کاغذ به‌صورت آزاد و راحت عمل نماید. قلم‌موی نرم کالیگرافی، که میان بند انگشتان قرار می‌گیرد، به‌راحتی پاسخگوی حرکات بند انگشتان، مچ دست، آرنج و کتف قرار می‌گیرد. در این فرآیند، اصلاح، دوباره‌کاری و تجدید نظر میسر نیست. از آن‌جا که کار با قلم‌مو بیان شخصیت فردی به حساب می‌آید، نگارش و تدنشی خالص و با وجود امتیاز مسلم نخستین استادان ذن است.

هنر ذن دو رویه داشت: هم عاملی برای تمرکز خالقان آن به حساب می‌آمد و هم وسیله‌ای برای راهنمایی آنانی بود که با آن مواجه می‌شدند. با وجودی که چین زیر نفوذ کنفوسیوس، دائوئیسم و دیگر فرق بودایی قرار داشت، ذن و هنر ذن به‌مثابه یک فرهنگ متفاوت در میان ادبا، بلندپایگان، فرزندانگان و شعرا شکوفا شد. سال‌ها پس از زوال فرقه‌های بودایی در چین، ذن به‌عنوان یک نیروی فراگیر در چین پایدار ماند تا این که در قرن‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی کنفوسیوئیسم - جدید (New - Confucianism)، که تلفیقی از اصول دائوئیسم و ذن بود، جایگزین آن شد.

پی‌نوشت:

۱. Sutra ابیات و سوره‌های کوتاه که اصول فلسفی را به‌صورت ایجاز بیان می‌دارد.

این مقاله با استفاده از منابع زیر نگاشته شده است: Stephen Addiss, *Art of Zen: Paintings and Calligraphy by Japanese monks, 1600-1925.*

Harry N. Abrams Inc. New York, 1989.

- Belinda Sweet, "Zen painting", *Arts of Asia*, Jan-Feb. 1994, p.72-77.